ببر سلتیک می غرد

درباره ایرلند

پیش‏بینی سال 2006

رشد تولید ناخالص داخلی 8/5 درصد

تولید ناخالص داخلی سرانه 610/40 دلار(برابری قدرت خرید سال 2005)

نرخ بیکاری 3/4 درصد

نرخ زاد و ولد 5/14 تولد در هزار

نرخ باروری 86/1 کودک

نرخ امید به زندگی 7/77 سال

"تایگر وود"،گلف‏باز شماره یک جهان،تنها کسی نبود که در رقابت‏های‏"رایدرکاپ‏"ایرلند خوش درخشید، بلکه اقتصاد این کشور که به‏"ببر سلتیک‏"1معروف شده‏ است نیز دوران شکوفایی را سپری می‏کند.

سایر کشورها با حسادت به ایرلند می‏نگرند،چون‏ این کشور توانسته است خود را از هیات یک کشور درجه‏ چندم اروپایی به حد و مرزی برساند که اکنون دومین‏ اقتصاد قدرتمند اتحادیه اروپا(بر پایه تولید ناخالص‏ داخلی سرانه)شناخته می‏شود.اکنون به دشواری هفته‏ای‏ سپری می‏شود که هیات‏های نمایندگی کشورهای‏ مختلف جهان از دوبلین دیدن نکنند تا بیاموزند چگونه‏ "ببر سلتیک‏"متولد شد و بسیار مهم‏تر اینکه آیا می‏توان‏ این گونه را تکثیر کرد؟

ایرلندی‏ها نیز بسیار به بازدیدکنندگان کشورشان‏ علاقه‏مندند و به سئوالات آنان با دقت پاسخ می‏دهند زیرا خودشان هم دوست دارند بدانند چه چیزی موجبات‏ رشد و شکوفایی اقتصادی آنها را فراهم آورده است و مهم‏تر اینکه چه چیزی به اقتصاد این کشور ثبات‏ می‏بخشد.اما یک خبر بد!گرچه ایرلند خود بسیاری از رموز موفقیتش را از دیگران گرفته و آن را کپی کرده است، ولی احتمالا"نمی‏توان این دستاوردها را کپی کرد و آن‏ را استمرار بخشید.علت آن را هم باید در نرخ بالای‏ باروری این کشور جستجو کرد که باعث شده است با نیروی مضاعفی کار کنند تا این اژدها خروشان باقی‏ بماند.

در خصوص ترکیب و اجزای تشکیل‏دهنده موفقیت‏ ایرلند توافق وجود ندارد.یک نگاه بسیار عجیب موفقیت‏ ایرلند را به دیدار سال 1979 پاپ ژان پل دوم و ایجاد یک‏ دگرگونی در روح ملی این کشور کاتولیک نسبت می‏دهند. عده‏ای دیگر هم تقویت روحیه اعتماد به نفس ملی را،به‏ دلیل موفقیت در عرصه داخلی،رمز موفقت ایرلندی‏ها برمی‏شمارند.یک تفسیر خشک و بی‏روح از موفقیت‏ ایرلند این است که بعد از چندین دهه عملکرد پایین‏تر از ظرفیت،این کشور پس از سال‏ها توانست‏ ظرفیت‏های خودی را شناسایی کند و عقب‏ماندگی‏ خود را جبران نماید؛پدیده‏ای که اقتصاددانان از آن به‏" همگرایی دیرهنگام‏"2نام می‏برند.

"جان فیتز جرالد"،یک استاد دانشگاه در موسسه‏ تحقیقات اقتصادی و اجتماعی ایرلند،می‏گوید: مولفه‏های فراوانی در موفقیت کشورم دخیل بوده‏اند.از جمله مهم‏ترین عوامل که وی و سایرین به آن‏ها اشاره‏ می‏کنند می‏توان به عوامل زیر اشاره کرد:

کمک‏های صندوق توسعه اتحادیه اروپا؛

میزان پایین مالیات برای شرکت‏ها؛

موفقیت مقامات ایرلندی در متقاعد ساختن‏ شرکت‏های چندملیتی در مورد نرخ‏های پایین بهره؛

و توانایی سیستم آموزشی این کشور در آموزش‏ نیروی کار ماهر که هر اقتصاد مدرن و مبتنی بر دانش به‏ آن نیازمند است.

البته این‏ها،دلایل عمده موفقیت ایرلند محسوب‏ نمی‏شوند؛زیرا جبران عقب‏ماندگی توسط ایرلندی‏ها به مدد رشد اقتصادی قدرتمند جهانی نیز حاصل شده‏ است.

اکنون بررسی‏ها-چه به صورت انفرادی و چه به‏ صورت جمعی-می‏تواند به طور قاطعی معجزه‏ اقتصادی این کشور را تفسیر و توجیه کند.اگر رشد اقتصادی این کشور در سایه منابع مالی بروکسل(اتحادیه‏ اروپا)حاصل شده است،چرا این امر در دهه 1990 محقق‏ نشد و دو دهه بعد از پیوستن به اتحادیه اروپا صورت‏ گرفت؟اگر کمک‏های اتحادیه اروپا موجب موفقیت‏ ایرلند شده چرا منطقه‏"متزوجیورنو"3واقع در ایتالیا هنوز هم از کمک‏های اتحادیه اروپا بهره می‏گیرد؟

نرخ‏های پایین مالیات؟"چارلز هاگی‏"از حزب‏"فیانا فیل‏"4در این زمینه به عوامل زیر اشاره دارد:کاهش هزینه‏ها و سطوح پایین استقراض،کاهش نرخ مالیات‏ شرکت‏ها از 5/12 درصد دهه 1960 تا صفر در دهه 1990؛ آن هم در برهه‏ای که ایرلند دوران سختی را پشت سر می‏نهاد.

سرمایه‏گذاری خارجی:از سال 1990 نیروی کار ایرلند بالغ بر 500 هزار نفر گشت و این امر برای کشوری که‏ فقط 4 میلیون نفر جمعیت دارد،چندان بد نیست.اما شرکت‏های چندملیتی حاضر در ایرلند بر 10 درصد افزایش دیگر در این میزان حساب کرده بودند.

آموزش:در سال 1967 دولتمردان تصمیم گرفتند تا آموزش دوره متوسطه را نیز رایگان اعلام کنند.این امر سبب شد تا شمار دانش‏آموختگان دانشگاهی فزونی‏ یابد،ولی در اواخر سال 1989 حدود 40 هزار زن و مرد در جست و جوی کار بودند،ولی فرصت‏های شغلی‏ جوابگوی نیازها نبود.

آیا این موفقیت به طور اتفاقی و شانسی حاصل شده‏ است؟ممکن است.برای شانس هم اغلب زمان‏بندی‏ وجود دارد و این زمان‏بندی رشد اقتصادی ایرلند بود که‏ سبب شد اقتصادی که چون گربه خواب‏آلود بود،به‏ سان یک ببر غران جلوه‏گر شود.

"دیوید بلوم‏"و"دیوید کانینگ‏"جمعیت‏شناسان‏ دانشگاه هاروارد،طی مقاله‏ای نشان داده‏اند قانونی‏ کردن و تنظیم هنجارهای اجتماعی با کاهش چشمگیر نرخ باروری مرتبط بود.این دوره از آغاز دهه 1980 آغاز می‏شود زمانی که نرخ زاد و ولد از 22 در هزار به 13 در هزار در سال 1994 کاهش یافت.

کاهش نرخ باروری بسیار مهم بود؛زیرا بر میزان نیروی‏ کار موثر واقع شد.چون آنان از طیف مستمری‏بگیران‏ و کودکان-بدنه غیر فعال جامعه-حمایت می‏کنند رده‏ سنی‏ای که اقتصاددانان به آن‏"نسبت وابستگی اقتصادی‏"5 می‏گویند.در اواخر سال 1985 نسبت وابستگی ایرلند به‏ نیروی کار(3/2)به طور چشمگیری از میانگین‏ 5/1 درصدی اتحادیه اروپا بالاتر بود و بار سنگینی بر دوش اقتصاد این کشور محسوب می‏شد.اما در اواخر دهه 1980 و با کاهش چشمگیر میزان باروری،نسبت‏ وابستگی اقتصادی ایرلند نیز کاهش یافت و در سال‏ 2000 معادل میانگین اتحادیه اروپا گشت.این تحول‏ ساختاری جمعیت،رشد اقتصادی چشمگیری را در پی داشت.از سال 1960 تا 1990 متوسط رشد سالانه‏ درآمد سرانه ایرلندی‏ها 5/3 درصد بود و در دهه 1990 این میزان به 8/5 درصد رسید و از بیشتر ممالک عضو اتحادیه اروپا فزونی گرفت.

"آیلین و چارلی مک گروری‏"از نسلی هستند که‏ در خصوص تغییرات ساختاری در ایرلند می‏توانند به‏ عنوان گواه و شاهد تلقی شوند.در دوره‏ای که آنان فارغ‏ التحصیل شدند،فرصت‏های شغلی نایاب بود.آنان‏ ناچار شدند همانند بسیاری از هم‏دوره‏ای‏هایشان در جستجوی به دست آوردن کار،جلای وطن و ترک دیار کنند."آیلین‏"می‏گوید:ما تحصیل کردیم تا صادر شویم! اما در زمانی که اقتصاد ایرلند در دهه 1990 جهش خود را آغاز کرد،مک گروری‏ها از دره سیلیکون-قطب‏ تکنولوژی پیشرفته آمریکا-برای یافتن شغل بهتر به‏ کشورشان باز گشتند.چون در آن زمان بخش‏ تکنولوژیک کشورشان دوران شکوفایی خود را می‏گذراند.آن‏ها نه تنها مهارت‏های خود را به‏ کشورشان انتقال دادند،بلکه توانستند نسبت وابستگی‏ را نیز کاهش دهند.برخلاف والدین‏شان که از 12 فرزند سرپرستی می‏کردند آن‏ها اکنون در مجموع فقط دو فرزند داشتند و این دقیقا"منطبق با سیاست‏های نوین‏ جمعینی کشورشان بود.

گرچه ایرلند خود بسیاری از رموز موفقیتش را از دیگران‏ گرفته و آن را کپی کرده‏ است،ولی احتمالا نمی‏توان‏ این دستاوردها را کپی کرد و آن را استمرار بخشید "کانینگ‏"و"بلوم‏"به این نکته اشاره می‏کنند که عامل‏ جمعیتی به عنوان دلیل اصلی موفقیت ایرلند به شمار نمی‏آید،گرچه این عامل ظرفیت لازم برای رشد اقتصادی این کشور را فراهم آورد.خوشبختانه ایرلند در این مدت سیاست‏هایی را اتخاذ کرد که بر اساس آن‏ توانست از امتیازات جمعیتی خود بهره گیرد.علاوه‏ بر این،تحقیقات دانشگاه هاروارد نشان می‏دهد یک‏سوم‏ معجزه اقتصادی ایرلند را می‏توان به امتیازات جمعیتی‏ این کشور نسبت داد.

اکنون ایرلندی‏ها با کنجکاوی می‏خواهند بدانند ببر آنها تا چه زمانی باقی خواهد ماند."کونور دایل‏"6،که‏ خانواده‏اش بیش از یک قرن در اسکله بندر کرک‏7به امور تجاری مشغول بوده‏اند،اعتراف می‏کند که در طول تاریخ‏ فراز و فرودهای بسیاری را در اقتصاد ایرلند تجربه کرده‏ است.او می‏افزاید:من می‏دانم که باز هم باید برای‏ رویارویی با یک شگفتی آماده باشیم.او هزینه‏های‏ نیروی کار ایرلند را یادآور می‏شود که در اواسط دهه‏ 1990 در اتحادیه اروپا در پایین‏ترین سطح خود قرار داشت و اکنون سیر صعودی آن آغاز شده است.

افزایش سطح دستمزدها،توانایی ایرلند را در جذب و نگهداری شرکت‏های چندملیتی به مخاطره انداخته‏ است که تولیدات‏شان قریب به 87 درصد صادرات‏ ایرلند را شامل می‏شود.(شرکت کامپیوتری Dell به تنهایی‏ 5/5 درصد صادرات ایرلند و 2 درصد تولید ناخالص‏ داخلی این کشور را در اختیار دارد.)سایر فشارها شامل‏ حباب دارایی‏ها تقریبا"نیمی از سرمایه‏گذاری‏های کشور را می‏بلعد.مؤسسه رتبه‏بندی‏"فیچ‏"نیز به تازگی ایرلند را همانند کشورهایی همچون روسیه و آذربایجان در رتبه‏ "Onwatch" طبقه‏بندی کرده است.

ایرلند هنوز هم در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به نسبت دارای جمعیت جوانی است و گروه سنی 25 تا 44 ساله نزدیک به یک‏سوم جمعیت این کشور را شامل‏ می‏شود.اما زمان به سرعت سپری می‏شود و زمانی فرا خواهد رسید که ایرلند پا به مرحله‏ای خواهد گذاشت‏ که دیگر نیروی کار مناسبی جهت جایگزینی خیل عظیم‏ بازنشستگان در اختیار نداشته باشد.

تحولات جمعیتی و نیروی کار ایرلند می‏تواند نسبت‏ وابستگی این کشور را،که برای اولین‏بار در دهه 1990 رو به فزونی نهاد،جبران کند.سطوح بالای مهاجرت‏ می‏توانند نیروی کار را افزایش دهند و آثار و نتایج پا به‏ سن گذاشتن جمعیت را به آینده موکول کنند. همان‏گونه که تایگر وود در زمین بازی به توپ گلف‏ ضربه می‏زند،سیر کاهشی جمعیت نیز ممکن است بر اقتصاد این کشور ضربات سنگینی وارد سازد.

برخی از ناظران از قبیل‏"فیتز جرالد"عقیده دارند ایرلند دریچه‏ای به سوی فرصت‏هاست،ولی باید منتظر پیامدهای ناگوار تحولات جمعیتی بر اقتصاد خویش‏ باشد.وابستگی رشد اقتصادی این کشور به پدیده‏های‏ جمعیتی از قبیل:باروری،مرگ و میر،مهاجرت و مشارکت نیروی کار می‏تواند تنها تا سال 2025 قابل‏ قبول باشد؛یعنی زمانی که رشد اقتصادی باثبات به‏ سیاست‏های اقتصادی جدیدی نیازمند است.اگر روال‏ کنوی ادامه یابد،شاید دیگر"ببر سلتیک‏"توان غریدن‏ نداشته باشد.

ماخذ:مجله فورچون

(1) Celtic Tiger

(2) Belated Convergence

(3) Mezzogiorno

(4) Fianna Fail

(5) Economic dependency ratio

(6) Conor doyle

(7) Cork harbor